

مسابقه مقاله خوانی " تربیت کودکان علوی "

واحد فرهنگی مسجد جامع هرمزآباد

تاریخ آزمون مجازی: ۱۷ مرداد ۹۹ سایت اطلاع رسانی مسابقه: www.hormozkhabar.ir برای اطلاع از جزئیات مسابقه و نحوه آزمون حتما در کانال واتساپ هرمزخبر عضو شوید. برای عضویت عدد یک را به شماره ۰۹۲۲۶۱۰۱۸۲۴ و یا ۰۹۳۳۷۹۵۳۶۰۱ در واتساپ ارسال کنید

• نکته: سوالات آزمون از این مقاله است و لذا برای شرکت در آزمون، حتما این مقاله را بخوانید:

دنیای معاصر بیش از هر زمان دیگری با مشکلات مختلف اخلاقی مواجه است. مراد از تربیت اخلاقی، فرایند ایجاد و پرورش فضایل اخلاقی در فراگیران و کوشش برای بازداشتن آن‌ها از رذایل اخلاقی در مقام نظر و عمل است. با توجه به اهمیت تربیت اخلاقی، پرداختن به مباحث مربوط به اخلاق و تربیت اخلاقی از جایگاه رفیعی برخوردار است. امام علی علیه السلام، اولین پیشوای شیعیان، نکات برجسته‌ای درباره تربیت اخلاقی بیان فرموده است. پژوهش حاضر می‌کوشد با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به واکاوی جایگاه و مولفه‌های تربیت اخلاقی کودکان در خانواده از دیدگاه امام علی علیه السلام بپردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد امام مراحل تربیت اخلاقی را براساس مراحل اخلاق به سه دوره هفت ساله تقسیم کرده و درباره مولفه‌های تربیت اخلاقی (هدف غایی، اهداف واسطه‌ای، اصول و روش‌ها) مواردی را به صورت کاربردی ارائه کرده است. الگوبرداری از سیره حضرت علی علیه السلام، بهره‌گیری از روش‌های تربیتی اسلامی و پرورش نسل صالح می‌تواند راهگشای سعادت دنیوی و اخروی باشد.

۱- اخلاق، تربیت اخلاقی و ضرورت آن در کودکی از نظر امام علی(ع)

واژه تربیت اخلاقی مرکب از دو واژه «تربیت» و «اخلاق» است. هر مکتب تربیتی از اخلاق تعریفی ارائه کرده است. اخلاق در لغت به معنی «سرشت و سجه» و در اصطلاح به معنی «صفات راسخ انسانی» است. بنابراین، تربیت اخلاقی را می‌توان فرایند ایجاد و پرورش فضایل اخلاقی در فراگیران و تدارک شرایطی برای بازداشتن آن‌ها از رذایل اخلاقی، در مقام نظر و عمل، دانست. امام(ع) به منزله اولین کسی که درباره مکارم اخلاق دست به نگارش زد، اخلاق را شکوفاشدن تمام ابعاد مثبت انسانی می‌داند که از حدود خوش رویی و نرمی در برخورد با هموعان فراتر رود و به انسان در رسیدن به هدف اعلای زندگی کمک کند. امام علی(ع) فرموده است: «اگر فرضاً آمیدی به بهشت و ترسی از دوزخ نداشته باشیم، اگر فرضاً ثواب و عقابی در قیامت نباشد، باز هم لازم است از خود مکارم اخلاقی و سجایای انسانی را مطالبه کنیم؛ زیرا به کار بستن صفات پسندیده موجب رستگاری و سعادت است»

از نظر امام علی(ع) عالی‌ترین سرمایه و افتخار، اخلاق پسندیده است و سجایای اخلاقی و صفات انسانی، رمز کاریابی و موفقیت و بهترین وسیله برای سازگاری با دیگران در اجتماع است؛ چراکه حسن خلق و رفتار پسندیده می‌تواند آدمی را در نظر مردم عزیز و محبوب نماید و موجب آسایش مادی و معنوی او شود. در نهج البلاغه آمده است: «عالی‌ترین مایه مجد و شرف آدمی، حسن خلق است».

در تحقیقات نظری روان‌شناسی، رشد اخلاقی با فلسفه اخلاق در پیوند است؛ رشد اخلاقی دربرگیرنده آن دسته از قوانین و مقررات اجتماعی است که تعیین می‌کند انسان‌ها در برقراری رابطه با دیگران چگونه باید رفتار کنند. به نظر امام(ع)، نفس انسان راه‌های ورودی گوناگونی دارد که می‌توان گفت از این میان دو راه، اصلی است: حواس و باطن (خیال و خشم). اگر انسان از راه باطن چیزی را دریابد، اثری از آن در دل او حاصل می‌شود.

امام(ع) این آثار را خواطر می نامد و خواطر را منشاء و انگیزه تمام افعال انسان می داند. امام معتقد است هرچه دل بخواهد و اراده کند، باید ابتدا به صورت خاطر نزد فرد حاضر باشد و این خواطر، به حسب ذات، می خواهند به شکل حرکات بیرونی ظاهر شوند. امام(ع) خواطر را به دو قسم دسته بندی می کند: یکی، خواطر شر که سرانجام آن زیان است. این خواطر ناپسند را وسوسه می گویند؛ دیگری، خواطر خیر که سودآور است. این خواطر پسندیده را الهام می نامند. امام معتقد است منشاء این دو دسته خاطر متفاوت است؛ منشاء خواطر خیر، فرشته است و منشاء خواطر شر، دیو، وساوس شیطانی اعم از وسوسه های شیطان و نفس است. با توجه به مباحث بالا می توان نتیجه گرفت که امام(ع) برای ماهیت انسان دو خود فرض می کند. یکی «خود حیوانی» و دیگری «خود ملکوتی» و معتقد است دل، میان شیطان و فرشته در حال کشمکش است و این نشان می دهد که خود مدام در حال کشمکش و جدال میان «خود حیوانی» و «خود ملکوتی» است و بر حسب فطرتش صلاحیت و استعداد آن را دارد که هم آثار فرشتگان را قبول کند و هم آثار شیاطین را. در اینجا است که اهمیت اخلاق و تربیت اخلاقی معلوم می شود. این حالات بیانگر این است که اخلاق قابل تغییر است و بر همین اساس امام(ع) اخلاق را یک امکان می داند و می گوید در حیوانات اخلاق وجود ندارد، اما انسان یک موجود دو بعدی است و میان دو بعد ملکوتی و حیوانی او علاقه برقرار است. انسان از این ویژگی همچون یک وسیله و ابزار استفاده می کند و اینجا است که اخلاق معنا می یابد؛ زیرا هدف از آفرینش انسان، رسیدن به بعد ملکوتی و مشاهده حضرت حق است. بنابراین با توجه به خود ملکوتی می توان ضرورت اخلاق را توجیه کرد. طبق دیدگاه امام علی(ع): «گرانیهاترین چیزی که پدران برای فرزندانشان به ارث می گذارند، ادب است». امام(ع) ثمره تربیت صحیح را «پرورش فرزند صالح» و پیامد بی توجهی به امر خطیر تربیت را «رشدیافتن فرزند ناصالح» دانسته و برای هر یک از این دو، آثار و نتایج مثبت و منفی برشمرده است. از دیدگاه آن حضرت، فرزند صالح مایه انس و آرامش والدین است. امام، فرزند صالح را نیکوترین یادگار و بلکه برابر با همه یادگارهای باقی مانده از والدین معرفی می کند. همچنین، آن حضرت به آثار سوء و پیامدهای منفی پرورش فرزند ناصالح اشاره کرده و فرزند ناصالح را مایه نابودی شرف و بلندی مرتبه پدران و موجب بدنامی پیشینیان خود می خواند. حضرت علی(ع) در سخنان دیگر، از فرزند ناصالح به آلوده کننده پیشینیان خود و فاسدکننده اولاد و بازماندگان یاد کرده، او را مایه محنت و شومی دانسته و در بیانی بلیغ، فرزند ناخلف را شدیدترین مصیبت ها خوانده است. فرزند ناصالح نه تنها خویشتن خود را گم کرده و گوهر بندگی و انسانیت را از دست داده، گاهی ممکن است پدر صالح و شایسته را هم به انسانی ناصالح مبدل کند. امام(ع) درباره زیبر فرمود: «زیبر همواره مردی از ما اهل بیت بود تا اینکه فرزند شوم و ناخلف او عبدالله بزرگ شد (و او را از ما جدا کرد)»

۲- مراحل رشد تربیت اخلاقی در کودکان

امام علی(ع) مراحل رشد تربیت اخلاقی را به سه دوره هفت ساله تقسیم کرده است: کودک تا شش سال آزاد است و باید به او آسان گرفته شود، در هفت سال دوم تأدیب شود و در هفت سال سوم به کار گمارده شود.

دوره هفت ساله اول:

نخستین میلی که در کودک پدید می آید، شهوت خوردن است؛ پس، در اولین قدم باید آداب خوردن را به او یاد داد. امام(ع) دوره اول را دوره آمادگی فرد می داند. کودک، در این دوره باید به رفتارهای نیک عادت کند. مربی باید با زشت جلوه دادن چیزهای بد در نظر کودک، هشدار دادن به او درباره همنشین بد، تشویق او برای انجام دادن کار نیک و دادن پاداشی که او را شاد کند، بعضی از رفتارهای درست را در کودک تقویت کند.

اگر کودک مرتکب خطایی شد، یکی دو بار خطای او را نادیده بگیرید تا سخن پیش او بی ارزش نشود؛ زیرا اگر سخنی زیاد تکرار شود، کودک دلیر می شود و آن کار را آشکارا انجام می دهد. زیاده روی در سرزنش باعث شعله

ورشدن لجاجت می شود. در این دوره، باید به کودک آداب اجتماعی، مانند احترام گذاشتن به بزرگسالان، مؤدب نشستن در حضور آنان، سوگند نخوردن، حفظ زبان از لعنت و فحش و... را یاد داد.

نکته مهمی که امام(ع) به آن اشاره می کند این است که کودک را به چیز خاصی عادت ندهید، زیرا خوی گرفتن به کارها، مخصوصاً کارهای ناپسند، کودک را کوردل بار می آورد. همچنین، حضرت تأکید می کند که در این دوره، کودکان را از بازی بازدارید؛ زیرا این امر موجب می شود آن ها بدخو شوند و این به کوردلی آنان منجر می شود. امام علی(ع) عادت را در تربیت اخلاقی روا نمی داند؛ زیرا عادت کردن به یک کار اثر آن کار را از بین می برد.

دوره هفت ساله دوم:

-احساس احترام و شرم در کودکان: امام(ع) معتقد است نماز خواندن را باید در نظر کودکان بزرگ جلوه داد و دروغ و حرام و دزدی... را در نظر آنان زشت گرداند. احساس شرم در کودکان یک عامل بسیار قوی است؛ زیرا اگر کودک به چیزهای پلید گرایش یابد، اما احساس شرم کرد، آن را رها می کند.

-آموختن شعرهای نیکو و جلوگیری از گرایش به شعرها و موسیقی های ناپسند، نکته دیگری است که امام(ع) بر آن تأکید دارد. همچنین، امام(ع) معتقد است که باید کودک را به بازی های نیکو و خوب سوق داد؛ زیرا منع از بازی، کودک را مضطرب می کند، او را از تعلیم گریزان می کند، زندگی را بر او سخت می کند و او را به حيله و دروغ وامی دارد تا از آن کار نجات یابد، اما از طریق بازی نیکو، کودک نشاط لازم را برای تعلیم به دست می آورد و با انگیزه بیشتری به تعلیم می پردازد. این نکته بسیار مهم است؛ زیرا اگر نادیده گرفته شود، کودک به سوی بدی و خود حیوانی گرایش پیدا می کند.

دوره هفت ساله سوم:

-بیان دلایل و فلسفه کارها: هنگامی که فرزند به سن بلوغ رسید، باید اسرار آداب و رفتارهایی را که در دوره قبل بر آن ها تأکید می شد، بداند. البته امام(ع) تربیت اخلاقی در این دوره را منوط به دوره های قبل می داند و می فرماید: اگر کودک به صفات نیکو عادت کرده باشد و این صفات در او خوب ریشه دوانده باشد، هنگام بلوغ این سخنان در دل او مؤثر واقع می شود، ولی اگر قضیه برعکس شود؛ یعنی کودکان با بازی های ناپسند و فحش و شهوت خو بگیرند، طعام و لباس خود را بیاریند و به همدیگر فخرفروشی کنند، خود ملکوتی آن ها حق را نخواهد پذیرفت. اگر تربیت اخلاقی کودک از همان ابتدا (قبل از تولد) شروع شود، این آموزش ها همانند نقشی که بر سنگ حک می شود، پابرجا می مانند، اما اگر سنین کودکی (دو دوره قبل) نادیده گرفته شود، تأثیر آموزش های اخلاقی در سن بلوغ، همانند نوشتن بر آب، هیچ تأثیری ندارند. به اعتقاد امام، بذر هر کار عظیمی در دوره کودکی افکنده شده است. بنابراین مهم ترین کار این است که از همان آغاز تولد (و حتی قبل از تولد) تربیت اخلاقی کودک شروع شود؛ زیرا کودک به طور فطری قابلیت خیر و شر را دارد و قلب او مانند زمین خالی است و تربیت است که وی را به یکی از دو سوئی خیر و شر می کشاند.

۳-هدف غایی تربیت اخلاقی کودکان در سیره امام علی(ع)

در نظام تربیتی اسلام مبحث اهداف از اصلی ترین مباحث است و جایگاه مهمی دارد؛ چراکه بدون تعیین هدف، برنامه ریزی و ارزیابی فعالیت های تربیتی به آسانی ممکن نیست. در تربیت فرزندان، آن هم در جامعه اسلامی، داشتن اهداف الهی بسی مهم و تعیین کننده است.

با نگاهی به دیدگاه و سیره تربیتی امام علی (ع) آشکار می شود که هدف غایی در نظام تربیت اخلاقی این است که فرزند به مقام اطاعت و عبودیت الهی برسد؛ هدف نهایی، تربیت انسانی است که مطیع پروردگار و تسلیم آستان او باشد. با توجه به حقیقت وجودی انسان و کمال جویی او، باید این امکان را برای کودکان فراهم آوریم تا در مسیر تربیت حقیقی گام بردارند و استعدادهای خود را شکوفا سازند. با این وصف، اهداف واسطه ای تربیت اخلاقی در نگاه امام علی(ع) عبارتند از:

الف) پرورش ابعاد وجودی و شخصیتی انسان:

هدف از تربیت اسلامی، انسان سازی است. انسان می تواند با تربیت، نقاط ضعف خود را به نقاط قوت تبدیل کند. پرورش ابعاد معنوی و اخلاقی شخصیت انسانی، یک هدف مهم تربیتی در نظام اخلاقی امام علی(ع) است؛ زیرا هرکسی می تواند در مسیر تعالی یا سقوط گام بردارد. اگر پرورش، فقط تأمین نیازهای جسمانی باشد، انسان از پرورش صفات عالی اخلاقی و معنوی بازمی ماند. امام علی(ع) به تربیت بعد اخلاقی و معنوی اهتمام ویژه دارد.

ب) آگاه کردن انسان از پایگاه خویش در جهان و شکوفاکردن لطافت وجودی او:

کار اصلی تربیت اخلاق اسلامی، آشناکردن انسان با ماهیت وجودی او و حرکت دادن وی بر مقتضای فطرت و سرشت او است. شناخت انسان از خود، مقدمه ای برای شناخت خداوند می شود. آن گاه زندگی او معنی می یابد و به سوی کمال خویش گام برمی دارد. حضرت علی (ع) فرمود: «برترین معرفت، شناخت آدمی از خویشتن است» و «هرکه خود را بشناسد، پروردگار خود را شناخته است». بنابراین، در تربیت، شناخت انسان جایگاهی بس ارزشمند دارد و چنانچه انسان به این مهم مبادرت نورد، از فهم مسائل دیگر نیز در می ماند.

ج) آخرت گرایی و پرواپیشگی:

طبق اصول تربیت، انسان باید قوس صعودی را در جهت حقیقت ملکوتی خود بپیماید. امام (ع) در نامه تربیتی خود به فرزندش امام حسن مجتبی(ع) می نویسد: «بدان که تو برای آن جهان آفریده شده ای نه برای این جهان». این جهان مدرسه تربیت انسان است و باید به سوی آخرت گام بردارد. امام(ع) همگان را بدین مقصد فراخوانده و فرموده است: «از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا مباحثید که روز رستاخیز هر فرزند به مادر خود می پیوندد.»

انسان، تنها برای امور مادی کوشش نمی کند و یگانه محرک او حوایج مادی زندگی نیست، بلکه برای اهداف و آرمان های بسیار عالی می کوشد. انسان، دارای روح قدسی است که میل به تعالی، صعود و پرواز دارد و بالارفتن او تا ملکوت قابل تصور است. آنچه انسان ها را به کمال مطلوبشان می رساند در سایه پرهیزگاری محقق می شود. پیشوای پرهیزگاران در ضمن خطبه ای فرمود: «خداوند به پرهیزگاری سفارشتان کرده و آن را نهایت خشنودی و خواست خود از بندگان قرار داده است» «بندگان خدا، شما را به تقوای الهی و فرمان برداری او سفارش می کنم که نجات فردا در آن است و مایه رهایی جاودان است.»

آنان که به این توشه تربیتی دست یابند، درهای وصول به مقاصد تربیت حقیقی به رویشان گشوده می شود. امام علی(ع) در وصفشان می فرماید: «پرهیزگاران در این جهان اهل فضیلتند، گفتارشان صواب است و میانه روی شعارشان. در رفتار و گفتار فروتنند، دیده هایشان را از آنچه خدا بر آنان حرام کرده، پوشیده و گوش هایشان را به دانشی که آنان را سودمند است به کارگرفته اند. در سختی چنان به سر می برند که گویی به آسایش قرار دارند و اگر نه این است که مدت زندگی شان را باید بگذرانند، جان هایشان یک چشم به هم زدن در کالبد نمی ماند. از شوق

رسیدن به پاداش - آن جهان - یا از بیم ماندن و گناه کردن - در این جهان - خداوند در اندیشه آنان بزرگ است. پس هرچه جز او است، در دیده هایشان خرد نمود. بهشت برای آنان چنان است که گویی آن را دیده اند و در آسایش آن به سر می برند و دوزخ چنان که آن را دیده اند و در عذابش قرار دارند. دل هایشان اندوهگین است و مردم از گزندشان ایمن. تن هایشان نزار است و نیازهایشان اندک و به جان و تن پارسایند»

بنابراین، پرواپیشگی، کلید همه نیکبختی ها است؛ انسان را وامی دارد تا در همه امور به عدالت رفتار کند، زمینه کمالات انسان را فراهم می آورد و موجب نجات او می شود. از این رو، تقوا بهترین ذخیره رستخیز است.

۴- اصول تربیت اخلاقی کودکان

براساس سخنان حضرت علی(ع)، موارد زیر اصول اخلاقی امام(ع) را در تربیت اخلاقی کودکان تشکیل می دهد:

- اصل اعتدال:

رفتارها و عملکردهای تربیتی، در صورتی به ما کمک می رساند که تابع اعتدال باشد. تربیت خردمندانه، تربیتی است که مبتنی بر حفظ اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط در همه امور باشد.

- اصل تدرج و تمکن:

پرورش اخلاقی باید براساس برنامه ریزی زمان بندی شده همراه با تربیت بدن، به پیروی از عقول مبتنی بر شناخت نیازها، علایق و قابلیت ها انجام شود. رشد باید مرحله به مرحله صورت پذیرد و حرکت جهشی و تغییر ناگهانی، درست نیست. در گذر از هر مرحله به مرحله بعد، باید متناسب با تغییرات و وضعیت جدید سازمان ذهنی عمل کرد. از این رو، در آموزه های دینی به رعایت ظرفیت ها و توانایی های ذهنی و عقلی و روحی در پرورش و رشد اخلاقی تأکید شده است. امام علی (ع) درباره تدریجی بودن رشد و تربیت می فرماید:

«یربّی الصبی سبعاً و یؤدب سبعاً و یستخدم سبعاً و منتهی طوله فی ثلاث و عشرین...»

اختلاف استعدادها، ظرفیت ها، روحیه ها، خواست ها و سلیقه ها، معلول اختلاف طبایع و تأثیرات گوناگون محیطی، جغرافیایی، فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی و اجتماعی است؛ بنابراین، هر عمل تربیتی باید با توجه به این اختلاف استعدادها و نیازها، به طور تدریجی و مرحله به مرحله، براساس توانایی های کودکان انجام شود. اگر در امر تربیت، نیازها، خواست ها، ظرفیت ها و زمان مناسب را در نظر نگیریم، بی گمان برنامه ها و اقدامات تربیتی نتیجه ای جز تباهی در پی نخواهند داشت.

- اصل تسهیل:

اگر تربیت اخلاقی کودکان مبتنی بر زور و اجبار باشد، نتیجه مطلوبی نخواهد داشت. والدین باید با رعایت آزادی فردی کودکان به تربیت آن ها مبادرت ورزند. حضرت علی (ع) درباره زور و اجبار می فرماید: «ستمگری و چیرگی بر افراد، آوارگی را برای آن ها به همراه خواهد داشت». درحقیقت، آنچه در حوزه تربیت اخلاقی مؤثر است، اصل رفتار آزادمنشانه است؛ چنان که حضرت علی(ع) می فرماید: «سودمندترین شما باسماحت ترین شما است»

- اصل تربیت عقلانی:

رسالت پیام آوران الهی در جهت شکوفایی استعدادها و تربیت عقلانی بوده است. آن‌ها سعی داشتند عقل‌ها را بالنده و انسان‌ها را به حکمت آراسته سازند. در این تربیت، قوای آدمی تسلیم خرد می‌شود عقل، محور امور قرار می‌گیرد و هوا و هوس از وجود انسان رخت برمی‌بندد. حضرت علی در ستایش این شیوه فرمود: «با عقل، هوا را مخالفت کنید»

اصل تفکر:

انسان موجودی متفکر است و با به کارگرفتن اندیشه، از سود و زیان کارها آگاه می‌شود و در راه سعادت سیر می‌کند. بنابراین، در سیره امام علی (ع)، اصل تفکر به منزله یکی از اصول تربیت اخلاقی مطرح شده است.

۵- روش‌های کاربردی تربیت اخلاقی فرزندان در سیره و کلام امام علی(ع)

روش‌شناسی و بررسی شیوه‌های تربیتی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است. در واقع، درخت تربیت آن‌گاه به بار می‌نشیند که نکات تربیتی در قالب شیوه‌های درست و مناسب به اجرا درآید. امام علی (ع) در سیره تربیتی خویش شیوه‌هایی را به کارگرفت که کشف و بررسی آن‌ها ره توشه بزرگی برای رهروان راستین آن حضرت به شمار می‌آید. شماری از این شیوه‌ها عبارتند از:

- شیوه محبت

استفاده از محبت، یکی از مؤثرترین و کارآمدترین شیوه‌های تربیتی است. محبت جاذبه و انگیزه می‌آفریند، به انسان‌های پرتلاطم و مضطرب آرامش می‌بخشد و فرزندان نابهنجار و ناسازگار را رام می‌کند. محبت شیوه‌ای است که به مرحله خاصی از تربیت اختصاص ندارد، اما کودکان و نونهالان بیشتر به آن نیازمندند. حبس کردن محبت در دل و پرهیز از اظهار آن، کارساز نیست و در فرزند انگیزه و جاذبه پدید نمی‌آورد؛ از این رو، محبت باید به روش‌های مناسب ابراز شود. برای کودکان در آغوش گرفتن و بوسیدن و برای بزرگ‌ترها دادن هدیه و اظهار محبت زبانی از مناسب‌ترین شیوه‌هاست. امام علی(ع) فرمود: «هرکه فرزند خود را ببوسد، برای او پاداش و حسنه خواهد بود و هرکه فرزند خود را شاد کند، خداوند در روز قیامت او را شاد خواهد کرد». آن حضرت هنگام موعظه فرزندان، با جملاتی محبت‌آمیز و پرجاذبه آن‌ها را آماده شنیدن می‌کرد؛ برای نمونه، در نامه‌ای به امام حسن(ع) چنین فرمود: «فرزندم، تو جزیی از وجود و بلکه تمام وجود منی؛ به طوری که اگر به تو بلایی برسد، به من رسیده است و اگر مرگ تو را در کام گیرد، مرا در کام گرفته است. آنچه از وضع و حال تو برای من مهم است، همان وضع و حال خود من است که برایم اهمیت بسیار دارد»

- شیوه احترام به شخصیت فرزند

از دیگر شیوه‌های مهم تربیتی در سیره و کلام امام علی (ع)، شیوه احترام به شخصیت فرزند و واگذارکردن مسئولیت به اوست. احترام به فرزند و تکریم شخصیت او، اعتماد به نفس را در وی تقویت می‌کند و او را برای انجام مسئولیت‌های مهم فردی و اجتماعی آماده می‌سازد. درمقابل، تحقیر و سرزنش زیاد، آتش لجاجت و دشمنی را در فرزند شعله‌ور می‌کند. امام (ع) در این باره می‌فرماید: «زیاده روی در سرزنش، آتش لجاجت را در فرد روشن می‌کند» امام در حدیثی دیگر می‌فرماید: «عقاب و تندی زیاد نداشته باشید؛ زیرا این امر کینه را در پی دارد و فرد را به سوی دشمنی فرامی‌خواند.»

حضرت علی (ع) در سیره تربیتی خود به شیوه احترام به شخصیت فرزندان توجه ویژه داشت و با واگذارندن مسئولیت مناسب به آنان، حس اعتماد به نفس را در آنان تقویت می فرمود.

-شیوه تشویق و تنبیه

یکی از شیوه های تربیت اخلاقی، تشویق و تنبیه است. تشویق، عامل برانگیزاننده و تنبیه، عامل بازدارنده است. شیوه تشویق، در فرزند انگیزه و رغبت پدید می آورد و شوق رفتار مطلوب را در او مضاعف می کند. البته درباره این شیوه مباحث بسیاری مطرح شده است؛ مانند اینکه تشویق مقدم است یا تنبیه؟ درحقیقت، تشویق حتی الامکان بر تنبیه مقدم است و فقط وقتی تشویق کارساز نباشد، از تنبیه بهره می بریم.

-شیوه الگویی:

شیوه الگویی نیز از شیوه های مهم تربیت اخلاقی است؛ زیرا فرزندان با سرمشق گرفتن از رفتار و کردار الگوها، فضایل آن ها را در خود ایجاد و به تدریج درونی می کنند. در میان روش های تربیتی، این روش به دلیل کاربردی بودن از نفوذ و تأثیرگذاری زیادی برخوردار است؛ بنابراین، بهتر است والدین به جای آنکه آموزه های دینی و تربیتی را دستوری بیان کنند، آن ها را با اعمال و رفتار خود به کودکان آموزش دهند. چشمان کودکان از تمام حرکات و سکنات والدین و خانواده فیلم برداری می کند؛ ازاین رو، تربیت فرزند بیش از آنکه با آموزه های کلامی و ارتباط زبانی صورت گیرد، بر رفتار عملی استوار است. کودک به طور معمول سخن گفتن، آداب معاشرت و آداب و سنن دینی را در محیط خانه فرامی گیرد و اگر والدین به دستورهای دینی اهمیت دهند و موازین اخلاقی را رعایت کنند، بی شک این گونه عمل بر روح و روان کودک تأثیر می گذارد. این شیوه تربیتی در سیره امام علی(ع) اهمیت زیادی دارد. آن حضرت به دو طریق از این شیوه در تربیت فرزندان خود بهره می جستند: یکی، از طریق معرفی الگوهای مطمئن و دیگری، الگوبودن خودشان برای فرزندان. امام (ع) در نامه تربیتی خود به امام حسن (ع)، پیامبر اکرم (ص) را الگوی مطمئن معرفی می کند: «فرزندانم، بدان که کسی همانند رسول الله (درباره خداوند سخن نگفت. پس به رهبری او راضی شو و در طریق نجات خویش او را پیشوا و الگوی خود قرار بده». اما مهم تر از معرفی و ارائه الگو، حضرت علی (ع) خود الگوی کاملی برای فرزندان بود و سیره عملی و رفتارهای درست او بهترین سرمشق برای آنان بود؛ به گونه ای که در موارد متعدد حضرت به فرزندان خود درس عملی داده و رفتارها و آداب اخلاقی را غیرمستقیم به آنان القا کرده است.

-شیوه همراه کردن امور اخلاقی با خاطرات خوشایند:

یکی از شیوه های درخور توجه در تربیت اخلاقی فرزندان، همراه کردن امور اخلاقی و معنوی با خاطرات خوشایند آنان است. بدین گونه که باید رفتارهای اخلاقی و مذهبی را در یک فضای مطبوع و همراه با ایجاد خاطرات خوشایند و مطلوب به فرزندان آموخت.

-شیوه دوست یابی:

همچنان که بزرگسالان به دوست و رفیق نیاز دارند، کودکان نیز به داشتن دوست نیازمند هستند و والدین نمی توانند آنان را از این خواسته طبیعی محروم کنند. همچنین، پدر و مادر نمی توانند مستقیماً به فرزندان بگویند با چه کسانی رفیق شوند و از چه کسانی دوری گزینند، بلکه باید آن ها را در انتخاب دوست آزاد بگذارند. اما بدان دلیل که اخلاق و رفتار رفقا در یکدیگر تأثیر می گذارد و دوستان در بسیاری از اخلاق و رفتارها از یکدیگر پیروی می کنند، در اسلام دستور داده شده که از رفیق بد اجتناب کنیم. بر این اساس، پدر و مادر نباید درباره دوستان فرزند خود بی اعتنا باشند، بلکه اگر بتوانند برای فرزندشان دوستان خوبی انتخاب کنند، صلاح و سعادت او را تأمین کرده اند. بهترین روش آن است که وقتی کودک به حد رشد و تمییز رسید، با نرمی و ملاحظت صفات یک دوست خوب و صفات یک دوست بد را برایش شرح دهند و نتایج دوستی با چنین افرادی را برایش بازگو کنند و آن گاه از دور بر رفتار فرزند و دوستان او نظارت داشته باشند.

ابعاد تربیت اخلاقی کودکان از دیدگاه امام علی(ع)

*رسیدن به مقام اطاعت و عبودیت الهی	هدف غایی تربیت اخلاقی	
*پرورش ابعاد وجودی و شخصیتی کودک *آگاه کردن کودک از پایگاه وجودی خویش در جهان و شکوفا کردن لطایف وجودی او *آخرت گرایی و پرواپیشگی	اهداف واسطه‌ای تربیت اخلاقی	اهداف
*اعتدال *تدرج و تمکن *تسهیل *تربیت عقلانی *تفکر	اصول تربیت اخلاقی کودکان	
* شیوهٔ محبت * شیوهٔ احترام به شخصیت فرزند * شیوهٔ تشویق و تنبیه * شیوهٔ الگویی * شیوهٔ همراه کردن امور اخلاقی با خاطرات خوشایند * شیوهٔ دوست‌یابی	شیوه‌های تربیت اخلاقی کودکان	

۶- توصیه های کاربردی تربیت اخلاقی کودکان؛ برگرفته از سخنان ناب امام علی (ع)

امام علی (ع) برای بهبود تربیت اخلاقی کودکان، توصیه هایی کاربردی برای والدین ارائه داده اند که به اختصار بیان می شود:

۱. تربیت اخلاقی کودکان باید متناسب با سن و عوامل رشدی و محیطی آن ها صورت گیرد و بی توجهی به این نکات می تواند مانعی در تربیت اخلاقی درست کودک باشد.

۲. والدین باید نوجوانان و جوانان را از محبت سیراب کنند تا آنان به هر آشنا و بیگانه ای روی نیاورند و به سوی افراد فاسد و اماکن فساد کشیده نشوند؛ چراکه دلیل بسیاری از انحرافات، کمبود محبت است.

۳. والدین به فرزندان خود احترام بگذارند و به آنان کمک کنند تا نواقص خود را رفع کنند. نصایح و تذکرات خود را با استدلال و منطق و در خلوت با آنان در میان نهند. هرگز در حضور دیگران، مخصوصاً همسالان، به فرزندان خود پند و اندرز ندهند و سخنی نگویند که خود بدان عمل نمی کنند.

۴. والدین بیش از حد توان و ظرفیت از فرزندانشان توقع نداشته باشند و با درک دنیای فرزندان، به هر اندازه که کوشش می کنند، از آنان قدردانی کنند.

۵. به نوجوانان و جوانان بیاموزند که نباید از مشکلات گریخت، بلکه راه های مبارزه با مشکلات و راه حل آن ها را به فرزندان خود آموزش بدهند.

۶. روح مذهب و معنویت را در فرزندان تقویت کنند و ارزش های انسانی، مذهبی و اخلاقی را با ایمان و اعتقاد به مبانی الهی به درستی در آنان ایجاد کنند.

۷. به فرزندان خود مسئولیت های مختلف زندگی را واگذار کنند تا اهل تفکر و کار و سازندگی شوند.

۸. به فرزندان خود کمک کنند تا درباره دوست، درست بیندیشند و باادب و نزاکت، حالات عصبی و طغیان احساسات آن ها را فرونشانند. اشتباهات، بی اعتنایی و سنگدلی آنان را درباره دوستانشان گوشزد کنند و شوق بهترشدن، لایق بودن و پاکی و عفت در دوستی را در آن ها به وجودآورند.

نتیجه گیری

با توجه به مفهوم تربیت اخلاقی از دیدگاه امام علی (ع)، چنین برداشت می شود که تربیت اخلاقی به منزله یکی از اجزای تربیت دینی، از همان ابتدای کودکی اهمیت دارد؛ زیرا براساس مستندات ارائه شده، در انسان از همان آغازین لحظه های تولد، مراتبی از عمل اخلاقی مطرح است. این اعمال ممکن است در قالب آداب بیان شده باشد، اما بدان دلیل که ادب برخاسته از اخلاق است، تأدیب نه تنها به دوران اولیه زندگی اختصاص ندارد، در همه مراحل زندگی انسان وجود دارد و خود جزیی از تربیت اخلاقی است. اینکه تأدیب، بیشتر برای دوران اولیه کودکی مطرح می شود، شاید به این دلیل است که در بعضی از مقاطع زندگی مثل دوران کودکی مراتب اعمال اخلاقی بر اثر پایین بودن مراتب مبانی عمل اخلاقی (معرفت، میل، اراده) پایین است و بر این اساس این جنبه دگرسازی تربیت اخلاقی نقش بیشتری ایفا می کند و با گسترش مراتب عمل اخلاقی، نقش تأدیب کمتر می شود. در نتیجه، تربیت اخلاقی برای کودکان نه تنها منتفی نیست، بلکه غفلت از آن، تربیت اخلاقی کودکان را در مراحل بعدی دشوار می کند. بنابراین، امام علی (ع) ضمن تأکید بر تسریع تربیت اخلاقی کودکان، هدف غایی تربیت اخلاقی کودکان را رسیدن به مقام عبودیت الهی می داند و به موازات هدف غایی، اهدافی مانند پرورش ابعاد وجودی و شخصیتی کودک، آگاه کردن کودک از پایگاه وجودی خویش در جهان و شکوفاکردن لطایف وجودی او، آخرت گرایی و پرواپیشگی را به عنوان اهداف واسطه ای برای دستیابی به هدف غایی یاد کرده است. در سیره امام علی (ع) با به کارگیری اصولی مانند اعتدال، تدرج و تمکن، تسهیل، تربیت عقلانی و تفکر، راه دستیابی به اهداف میسر می شود. روش های پیشنهادی امام علی برای تربیت اخلاقی کودکان عبارت است از: شیوه محبت، شیوه الگویی، شیوه احترام به شخصیت فرزند، شیوه دوستیابی و شیوه همراه کردن امور اخلاقی با خاطرات خوشایند. درحقیقت، امام (ع) با بیان اهداف، اصول و روش های تربیت اخلاقی زمینه را برای تربیت کودکان در محیط خانواده هموار کرده است؛ چراکه از نظر ایشان، خانواده در تربیت نقش اساسی دارد و این بدان دلیل است که اولاً، در تأثیر عامل وراثتی و دیگر عوامل محیطی نقش اساسی دارد؛ ثانیاً، تا پیش از بلوغ بیشتر عمر فرزندان در کانون خانواده و با نظارت آنان سپری می شود؛ ثالثاً، نقش الگویی والدین، به ویژه در تربیت اخلاقی، بسیار چشمگیر است. نکته آخر

این است که خانواده خود از عوامل تأثیرگذار محیطی در تربیت فرزندان است که می تواند از راه ارتباطات اجتماعی، زمینه دوست یابی شایسته را برای فرزندان فراهم آورد. در این میان سخنان گهربار امام علی (ع) درباره تربیت فرزند ره توشه ای عظیم در راه دستیابی به این امر خطیر است. انسان با الگوبرداری از سیره ایشان و به کاربردن روش های اسلامی و تربیت نسل صالح می تواند به سعادت دنیوی و اخروی دست یابد.